

عنوان مقاله:

انواع سنجش آموزشی با رویکردهای مختلف به فراگیری

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 16، شماره 40 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

نوا نورداد - استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

خلاصه مقاله:

طی پنجاه سال گذشته، تغییرات گسترده فرهنگی، اجتماعی و فناوری فلسفه آموزش را در تمام جنبه های آن از جمله سنجش تغییر داده است. سنجش علاوه بر ارزیابی فراگیر می تواند مسیر برنامه درسی، آموزش، یادگیری و خودکفایی در یادگیری را نیز هدایت کند. در طول قرن بیستم، سنجش مکانیزمی برای ارائه شاخصی از یادگیری با پیروی از یک الگوی قابل پیش بینی تدریس، آزمودن دانش فراگیران از مطالب و قضاوت در مورد پیشرفت فراگیران بر اساس نمرات آزمون محسوب می شد؛ اما، اخیرا این رویکرد زیر سوال رفته است زیرا انتظارات اجتماعی از تحصیل تغییر کرده است، علوم شناختی بینش جدیدی در مورد ماهیت یادگیری ارائه کرده است و نقش سنتی سنجش در تقویت رشد فراگیر به چالش کشیده شده است. بر این اساس، دو فلسفه جدید سنجش مطرح می شوند که برخلاف فلسفه سنتی، عمدتا بر رشد و استقلال فراگیر تمرکز دارند. فلسفه های نوظهور سنجش، یعنی سنجش برای یادگیری و سنجش به عنوان یادگیری با افزایش یادگیری برای فراگیران چارچوب مفهومی جدیدی در مورد نقش سنجش تعریف می کنند. هدف نوشته حاضر بررسی چرایی و چیستی و چگونگی تغییر سنجش آموزشی با تمرکز بر تقابل این فلسفه ها از نظر چارچوب فکری و عملی و تاکید بر لزوم تشخیص و بهره مندی صحیح از انواع رویکردهای سنجش به اقتضای هدف سنجش می باشد. نظام آموزشی فعلی باید با آگاهی از فلسفه بنیادی انواع سنجش، از روشهای نوین سنجش جهت افزایش یادگیری و نیز مهارت خودمختاری و تفکر انتقادی فراگیران برای خودسنجی در کنار سنجش یادگیری بهره مند گردد.

کلمات کلیدی:

سنجش به عنوان یادگیریف، سنجش برای یادگیری، سنجش یادگیری، فلسفه آموزش، فلسفه سنجش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1559849>

